

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

توضیح اثر:

با توجه به تأکیدات مقام عظمای ولایت بر ضرورت تولید الگوی اسلامی_ایرانی پیشرفت و لزوم طراحی برنامه ششم توسعه بر اساس این الگو، شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی «پیوستی» را برای این برنامه تدارك دیده است. این پیوست در نظر دارد برنامه ریزی اسلامی و نظام سازی اسلامی را در ۴ حوزه تربیت، علم، اقتصاد و پیشگیری از جرم اجرا نماید.

متن پیشرو گفت و گوی حجت الاسلام علی کشوری، دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با پایگاه خبری-تحلیلی ۵۹۸ درباره پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم می باشد که در تاریخ ۲۹ شهریور ۹۴ منتشر گردید.

فهرست مطالب

۱. پاسخ به سؤال «پیشنهاد الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی ششم چیست؟»؛ اولویت برنامه‌های گفتمانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در سال ۱۳۹۴ ۴
 - ۱/۱. دلایل اهمیت یافتن سؤال فوق‌الذکر ۴
۲. تبیین سطوح چهارگانه پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی ششم ۵
 - ۲/۱. لایه‌ی اول؛ تبیین انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی کشور ۶
 - ۲/۲. لایه‌ی دوم؛ تبیین روش دولت‌سازی اسلامی در بخش‌های مختلف ۱۰
 - ۲/۳. لایه‌ی سوم؛ تبیین روش شناسائی عدم توازن‌های فرهنگی ۱۱
 - ۲/۴. لایه‌ی چهارم؛ تبیین بخشی از عدم توازن‌های فرهنگی کشور و چگونگی رفع تدریجی آنها ۱۱
 - ۲/۴/۱. بخش اول؛ عدم توازن فرهنگی مرتبط با موضوع «تربیت اسلامی» ۱۲
 - ۲/۴/۲. بخش دوم؛ عدم توازن فرهنگی مرتبط با موضوع «پیشگیری از جرم» ۱۳
 - ۲/۴/۳. بخش سوم؛ عدم توازن فرهنگی مرتبط با موضوع «ترجمه‌زدائی از علم» ۱۴
 - ۲/۴/۴. بخش چهارم؛ عدم توازن فرهنگی مرتبط با موضوع «مقاوم‌سازی اقتصاد» ۱۴

۱. پاسخ به سؤال «پیشنهاد الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی ششم چیست؟»؛ اولویت برنامه‌های گفتمانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در سال ۱۳۹۴

از ابتدای سال ۹۴ سعی ما در «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی»^۱ بر این بود تا یک سؤال و جواب را به صورت تفصیلی در فضای کشور مطرح کنیم. به نظر ما پاسخ به این سؤال منجر به افزایش درک نخبگان و مدیران از «الگوی پیشرفت اسلامی» می‌شود. سؤال مذکور و ضرورت آن را در ابتدا تبیین و بعد پاسخ آن را ارائه خواهیم کرد. سؤال این است که پیشنهاد الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی ششم کشور چیست؟

۱/۱. دلایل اهمیت یافتن سؤال فوق‌الذکر

با ۳ دلیل عمده می‌توان ضرورت توجه به این سؤال را به عنوان یک موضوع اصلی توجیه کرد:

دلیل اول این است که با توجه به تاریخ ۷۰ ساله‌ی برنامه‌ریزی در ایران و وقوع نیمی از آن در دوران پس از انقلاب اسلامی و عدم وجود تفاوتی اساسی میان ادبیات برنامه‌ریزی در فضای پس از انقلاب و پیش از انقلاب، به تدریج این تلقی ایجاد می‌شود که انقلاب اسلامی نظر و ایده‌ی جدیدی برای حوزه برنامه‌ریزی ندارد؛ یعنی با وجود تفاوت اساسی میان آرمان‌ها و شعارهای پس از انقلاب اسلامی با دوران پیش از انقلاب و با وجود ایجاد تحولات مختلف توسط انقلاب اسلامی در حوزه‌های گوناگون، اما پذیرش ادبیات توسعه^۲ در سازمان برنامه‌ریزی کشور این تلقی را ایجاد کرده که تفکر انقلاب - تأکید می‌کنم که انقلاب اسلامی یک تفکر است - در حوزه‌ی برنامه‌ریزی ایده‌ی جدیدی را در اختیار ندارد! پس از انقلاب و در دوران دفاع مقدس به برنامه‌های توسعه مبتلا نبوده‌ایم اما پس از این وقفه و با آغاز دوران سازندگی، همان مسیر پیشین برنامه‌ریزی با تغییراتی و بر اساس تفکر توسعه پیگیری شد.

بنابراین اگر جریان نیروهای انقلاب اسلامی سؤالاتی از این قبیل را به صورت جدی مطرح نکنند، این شبهه به صورت جدی مطرح خواهد شد که آیا انقلاب اسلامی برای حوزه برنامه‌ریزی نظریه‌ای دارد یا خیر؟ بعد از انقلاب اسلامی ۵ برنامه‌ی توسعه تدوین شد و در حال حاضر نیز در حال تدوین برنامه‌ی ششم هستیم. هنگام بررسی احکام و برنامه‌های طرح‌های ۵ گانه‌ی توسعه، مشاهده می‌شود که عمده‌ی این اهداف و برنامه‌ها رویکرد توسعه به معنای غربی آن را دنبال کرده‌اند؛ البته برنامه‌های پیش از انقلاب نیز همینگونه بودند. بنابراین در صورت ادامه‌ی این مسیر، جامعه و نخبگان به این نتیجه می‌رسند که انقلاب اسلامی برای حوزه‌ی برنامه‌ریزی کشور برنامه‌ی خاصی ندارد. این اولین دلیلی است که درستی سؤال فوق‌الذکر را توجیه می‌کند. به عبارت بهتر با طرح این سؤال به تدریج ویژگی‌های برنامه‌ریزی مد نظر انقلاب اسلامی را شرح می‌دهیم تا به تدریج این تلقی غلط زوده شود.

دلیل دوم که در واقع ذیل دلیل اول معنا پیدا می‌کند این است که با توجه به گذشت ۹ سال از طرح گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی در کشور^۳ و محوریت ایجاد تحول در حوزه برنامه‌ریزی کشور در بحث گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی، به صورت طبیعی این انتظار ایجاد شده است که الگوی پیشرفت اسلامی چه طرح‌هایی را برای تدبیر برنامه‌ها

^۱ شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی یک شورای مردمی می‌باشد که در قم شروع به کار کرد و با سابقه ۱۵ سال کار پژوهشی در انقلاب و مبانی انقلاب، موفق به یک جمع‌بندی در قالب اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی شد.

^۲ توسعه به معنای غربی آن و معادل کلمه Development

^۳ گفتمان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از سال ۸۵ و در دانشگاه سمنان توسط آیت‌الله امام‌خامنه‌ای شروع شد.

ارائه می‌کند؟ در صورت عدم پاسخگویی به این انتظار به تدریج امیدهای ایجاد شده برای تغییر در نظام تصمیم‌سازی کشور کم‌رنگ خواهد شد؛ به عبارت بهتر ما در حال مقابله با این گزاره هستیم که الگوی پیشرفت اسلامی حرفی اثباتی برای حوزه‌ی عمل ندارد! بهترین مقابله این است که حرف اثباتی الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی ششم را تشریح کنیم. با بررسی پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه‌ی ششم، تا حدی تفاوت حرف اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی با حرف‌های کلی مطرح راجع به این الگوی واضح خواهد شد. باید غرض نیروهای اردوگاه انقلاب اسلامی این باشد که اثبات کنند الگوی پیشرفت اسلامی از حالت کلی خارج شده و به فضای کاربردی و عملیاتی رسیده است. اساساً یکی از دلایلی که موجب جریان توسعه‌گرا و بعضی از دوستان احساس کنند که شاید الگوی پیشرفت اسلامی حرفی اثباتی و همه‌جانبه‌ای برای حوزه‌ی برنامه‌ریزی ندارد، همین کلی‌گویی‌ها درباره‌ی الگوی پیشرفت اسلامی است. ما مکرر در یادداشت‌ها و نوشته‌های خود و در جلسات معروض داشته‌ایم که دو خطر جریان گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی را تهدید می‌کند؛ خطر اول یکسان‌نگاری توسعه‌ی غربی و پیشرفت اسلامی و خطر دیگر کلی‌گویی راجع به الگوی پیشرفت اسلامی و اظهارات غیر کاربردی در این حوزه است.

بنابراین با طرح سؤال «الگوی پیشرفت چه پیشنهادی برای برنامه ششم دارد؟»، در واقع به انتظارات نخبگان از گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی پاسخ داده و در مقابل حرکت‌های شعاری و حرکت‌های التقاطی در این حوزه صف‌آرایی می‌کنیم. این دومین دلیلی است که درستی و اولویت سؤال فوق را اثبات می‌کند؛ البته توجه بفرمائید که این انتظار از الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی هفتم به صورت جدی‌تری مطرح خواهد شد و این یعنی حداقل فایده‌ی این بحث، زمینه‌سازی برای ارائه‌ی پاسخی مطمئن نسبت به این انتظار در ۴ سال آینده است. با این نگاه حداقلی هم می‌توان پیشنهاد ما را ارزیابی کرد.

دلیل سومی که ما را امسال مجاب کرد به طور جدی به این سؤال پاسخ دهیم، وجود مشکلات فرهنگی، اقتصادی و نگرانی از نادیده گرفته‌شدن مسأله‌ی مقاوم‌سازی فرهنگ و اقتصاد در برنامه‌ی ششم است. محورهای مرتبط با مقاوم‌سازی فرهنگ و اقتصاد، امسال باید به طور قطع در برنامه‌ی ششم گنجانده شوند. این نیز دلیل سوم است که ارائه‌ی پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه‌ی ششم را توجیه می‌کند. با توجه به این سه دلیل در صورت نپرداختن به این سؤال، کشور دچار خسران و زیان خواهد شد.

۲. تبیین سطوح چهارگانه پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی ششم

در ادامه پاسخ سؤال اول شرح داده خواهد شد. به فضل الهی مسیر قابل هدایتی برای گنجاندن پیوست الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه‌ی ششم وجود دارد و در این میان رسانه‌ها نیز باید تلاش بیشتری برای تبیین این پیوست داشته باشند. همانطور که عرض شد پیوستی موسوم به پیوست الگوی پیشرفت اسلامی را برای برنامه‌ی ششم پیشنهاد داده‌ایم که در درون خود سطوح چهارگانه‌ای از مباحث را گنجانده است. در صورت مرور و مطالعه‌ی این سطوح چهارگانه‌ی بحثی، درک از الگوی پیشرفت اسلامی یک گام ارتقا پیدا خواهد کرد. در واقع این پیوست نوعی نمونه‌سازی با نگاه الگوی اسلامی محسوب می‌شود؛ یعنی الگوی پیشرفت اسلامی را در یک حوزه‌ی مشخص به محصول رسانده‌ایم. البته پس از طراحی این نمونه‌ی اول، نمونه‌سازی دوم را در حوزه‌ی تبیین مدیریت شهری با زاویه‌ی دید الگوی پیشرفت اسلامی انجام خواهیم داد که به فضل الهی در آینده محورهای آن تشریح خواهد شد. در مجموع این نمونه‌سازی‌ها کمک‌کار پرورش الگوی پیشرفت اسلامی هستند.

۲/۱. لایه اول؛ تبیین انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی کشور

همانطور که عرض شد پیشنهاد الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی ششم دارای چهار سطح بحث است که هر یک از این سطوح چهارگانه در قالب یک سؤال و جواب مطرح خواهند شد. مرور این بسته‌های بحثی منجر به فهم بهتر فرآیند برنامه‌ریزی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی می‌شود.

سؤال اول این است که اساساً انتظار انقلاب اسلامی از حوزه‌ی برنامه‌ریزی چیست؟ به هر حال هنگام مخالفت با برنامه‌ریزی مبتنی بر توسعه، انتظار افکار عمومی از ما این خواهد بود که در گام اول و به صورت کلی، افق برنامه‌ریزی مبتنی بر تفکر الگوی پیشرفت اسلامی و انقلاب را تحلیل کنیم؛ به عبارت بهتر در اولین گام باید مشخص شود که انتظار انقلاب اسلامی از حوزه‌ی برنامه‌ریزی چیست.

برای پاسخ به این سؤال ناگزیر از طرح سه مقدمه هستیم:

به عنوان **مقدمه‌ی اول** باید مراحل تکامل انقلاب اسلامی را مورد بحث قرار دهیم. مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی برای تحقق تام آرمان‌های انقلاب، پنج گام تاریخی تعریف شده است؛ یعنی برای تحقق کامل اهداف انقلاب اسلامی باید ۵ مرحله فعالیت اجتماعی داشته باشیم. انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی مراحل پنجگانه‌ای هستند که باید طی شوند. در گفتمان انقلاب اسلامی این ۵ مرحله وجود داشته و در هر مرحله باید یک ابرمسئله در دستور کار قرار گیرد تا یک گام به سمت تحقق شاخصه‌های هویت اسلامی نزدیک شویم. مبتنی بر این تحلیل، در حال حاضر در مرحله‌ی دولت اسلامی حضور داریم؛ یعنی از ابتدای انقلاب ۲ مرحله را طی کرده‌ایم و آینده‌ی ما نیز جامعه‌ی اسلامی و امت اسلامی است.^۴

مقدمه‌ی دوم این است که مفهوم دولت اسلامی به صورت تفصیلی چه معنایی دارد؟ در اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، مبتنی بر ادبیات انقلاب مرحله‌ی دولت‌سازی را به **"مرحله‌ی نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه با نگاه اسلام"** معنا کرده‌ایم.

در تعریف نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی برای دولت اسلامی سه قید وجود دارد؛ **قید اول** این است که باید در مرحله‌ی دولت اسلامی، نظام‌سازی اجتماعی داشته باشیم. نظام‌سازی اجتماعی چه معنایی دارد؟ یعنی روال و نظم‌های موجود در بخش‌های مختلف برای زندگی مردم نیازمند بازتعریف و تغییر است. به عنوان مثال در حال حاضر روال و نظمی در بخش آموزش وجود دارد که تفکر دولت‌سازی اسلامی معتقد است در این زمینه نیازمند تحول هستیم؛ زیرا آموزش نمی‌تواند در روال موجود افراد را با سبک زندگی اسلامی آشنا کند. همین مسئله و تغییر روال در حوزه‌ی اقتصاد نیز باید رقم بخورد. با توجه به اینکه در روال و نظم موجود برای حوزه‌ی اقتصاد و معیشت مردم، معایبی مانند ایجاد فاصله‌ی طبقاتی، گسترش ربا، گسترش تفکر مصرفی و ... وجود دارد؛ این روال و نظم باید تغییر کند. بنابراین زمانی که گفته می‌شود: در مرحله‌ی دولت‌سازی اسلامی به دنبال چه هستید؟ پاسخ این است که هدف در این مرحله فقط استنباط و تبلیغ خواسته‌های اسلام نیست، بلکه هدف اصلی این است که مبتنی بر درک تبیین شده‌ی خودمان از اسلام، روال‌های اجتماعی را تغییر دهیم. ضرورت بازتعریف نظامات

^۴ در واقع امام خامنه‌ای علیه السلام ۴ مرتبه در سخنرانی عمومی راجع به این موضوع بحث کرده و فرموده‌اند که برای تحقق کامل شاخصه‌های هویت اسلامی باید این حرکت تدریجی پنج مرحله‌ای را طی کنیم و در هر مرحله نیز به نتایجی دست پیدا می‌کنیم.

اجتماعی، اولین مطلب نظریه‌ی دولت اسلامی است. نظام‌سازی اجتماعی بر اساس اسلام یعنی اکتفا به تبیین و تبلیغ اسلام غلط بوده و باید به تحقق اسلام فکر کنیم.

قید دوم در تعریف ما از مرحله‌ی دولت اسلامی، نظام‌سازی اجتماعی **همه‌جانبه** است. با این قید نظام‌سازی اجتماعی به صورت بخشی نفی می‌شود؛ چراکه نداشتن نقشه جامع برای فعالیت‌ها یک آفت بزرگ است. نگرش بخشی به تغییر نظامات اجتماعی در میان نیروهای انقلاب زیاد است. به عنوان مثال بسیاری از نیروهای انقلاب به این نتیجه رسیده‌اند که نظام آموزشی دارای معایبی بوده و در نتیجه تلاش می‌کنند که روال اجتماعی را در حوزه آموزشی تغییر دهند؛ اما از این مسأله غفلت کرده‌اند که نظامات اجتماعی مؤثر بر یکدیگر هستند. اگر فقط یک بخش را تغییر دهیم، بخش‌های دیگر آثار منفی خود را بر بخش مورد نظر اعمال خواهند کرد و حرکت اصلاحی بخشی ابر خواهد ماند.

البته با قید **همه‌جانبه** بودن علاوه بر مسأله‌ی فوق در صدد این هستیم که بگوییم ما در مرحله‌ی نظام اسلامی حضور نداریم؛ زیرا امام راحل عظیم‌الشان علیه السلام پس از عبور از مرحله‌ی انقلاب اسلامی در حدود ۱۰ حوزه نظام‌سازی کردند. ایشان از اختیارات خودشان استفاده کرده و روال تعریف شده در ۱۰ بخش اجتماعی را تغییر دادند. به عنوان مثال در حوزه‌ی دفاعی-امنیتی یک نظم مشخصی برای ایجاد امنیت وجود داشت که به دلیل ناکارآمدی آن، ایشان با استفاده از تفکر **بسیج مردمی** به تغییر آن همت گماردند و امروز حوزه‌ی دفاعی-امنیتی نظم جدیدی را پذیرفته است. همچنین امام علیه السلام در حوزه‌ی رهبری جامعه، ساختارهای حکومتی را **ذیل ولی امر و ولایت فقیه** باز تعریف نمودند. همچنین به عنوان نمونه ایشان در حوزه‌ی خدمات اجتماعی و محرومیت‌زدائی، ضمن حفظ بهزیستی و هلال احمر، **جهاد سازندگی و کمیته‌ی امداد** و ساختارهایی از این قبیل را ایجاد کردند. بنابراین با توجه به حضور امام علیه السلام در ابتدای نظام‌سازی، ایشان بر اساس تفکر نظام‌سازی اجتماعی به نظام‌سازی اجتماعی در ۱۰ حوزه پرداخته و روال اجتماعی این ۱۰ حوزه را تغییر دادند.

در دوره‌ی دولت‌سازی تفکر نظام‌سازی اجتماعی را در تمام بخش‌ها پیگیری خواهیم کرد؛ زیرا مرحله‌ی نظام اسلامی آغاز کار نظام‌سازی اجتماعی بود و امکان نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه وجود نداشت. به همین دلیل امام راحل علیه السلام در برخی از مهم‌ترین **"موضوعات جهت‌ساز"**^۵ نظام جدیدی را ایجاد کردند. بنابراین با قید **همه‌جانبه**، علاوه بر تبیین تفاوت مرحله‌ی دوم و سوم انقلاب، ناکارآمدی حرکت‌های بخشی در مرحله دولت‌سازی را نیز مورد اشاره قرار می‌دهیم.

قید سوم تعریف دولت اسلامی، نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه براساس **اسلام** است. با این قید از تفکر سیستمی فاصله می‌گیریم. حتی به نظر بنده کلمه‌ی نظام‌سازی اجتماعی از روایت امام رضا علیه السلام در تعریف مقام امامت اخذ

۵. در «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» از موضوعاتی که به نوعی در حکم زیر ساخت و ظرفیت‌سازی برای تغییر نگرش‌ها -در بخش‌های مختلف جامعه- محسوب می‌شوند؛ تحت عنوان «موضوعات جهت‌ساز» یاد شده است. علت این نامگذاری به جایگاه نگرش‌های انسان در انتخاب جهت و سبک زندگی و اثر این موضوعات در تغییر نگرش بازگشت دارد.

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه‌ی راه ۱۳۹۳/۰۵/۰۹ <http://nro-di.blog.ir/>

«موضوعات جهت‌ساز» یا «موضوعات انتقال» سه ویژگی دارند؛ ۱. غیرقابل انکار بودن ۲. قابل ترجمه به موضوع مطلوب ۳. مشارکت‌پذیری. جلسه‌ی چهارم از سلسله جلسات تبیین چرایی، چیستی و چگونگی «هدایت نظامات ذهنی» ۱۳۹۲/۱۱/۱۲

شده است. امام رضا علیه السلام می فرماید: «الامامة نظام المسلمین»؛^۶ با این وجود برخی برای تفکر دولت‌سازی از تفکر سیستمی استفاده می‌کنند. با قید سوم به این دسته از دوستان یادآور می‌شویم که نظام‌سازی غیر از سیستم‌سازی است.

مقدمه‌ی سومی که با استفاده از آن انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی تبیین می‌شود، تحلیل وضعیت نظریه‌ی دولت اسلامی است. اساساً این سوال مطرح است که هم‌اکنون نظریه‌ی دولت اسلامی در چه وضعیتی قرار دارد؟ آیا نظریه‌ی دولت اسلامی در حال حاضر با روی کار آمدن دولت یازدهم متوقف شده یا در مرحله‌ی اجرا قرار دارد؟ بر اساس مطالعات انجام شده، نیروهای انقلاب بر اساس فکر دولت‌سازی در حال فعالیت بر روی چهار بسته‌ی بحثی هستند و نظریه‌ی دولت اسلامی به دلیل ماهیت جامعه‌شناختی خویش، علی‌رغم تلاش جریان توسعه‌گرا به حیات خود ادامه می‌دهد.

بسته‌ی اول فعالیت‌هایی که تحت اشراف آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام و بر اساس نظریه‌ی دولت‌سازی اسلامی انجام می‌گیرد، اثبات دائمی ناکارآمدی نظامات مدرن و تفکر توسعه‌گراست. این بسته بحثی که هم‌اکنون در کشور انجام می‌شود، در واقع به عنوان مقدمه و زیرساخت نظری برای دولت‌سازی اسلامی عمل می‌کند. فعالیت‌های مرتبط با اثبات ناکارآمدی تفکرات توسعه‌گرا خود شامل سه دسته است:

نخستین کاری که آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام دائماً به کمک نیروهای جبهه‌ی انقلاب انجام می‌دهند، نقد گفتمانی ادبیات توسعه است. به عنوان مثال هنگام بحث پیرامون عدالت در نشست اندیشه‌های راهبردی، در واقع اشکالی را به تفکرات توسعه‌گرا وارد کرده و عنوان می‌دارند که توسعه قادر به تحقق عدالت نیست. همچنین با نامگذاری سال‌ها و دهه‌ها -مانند نامگذاری دهه‌ی چهارم انقلاب به دهه‌ی عدالت و پیشرفت- فضای گفتمانی ضد توسعه را در جامعه گسترش می‌دهند.

دسته‌ی دوم فعالیت‌هایی که برای اثبات ناکارآمدی تفکرات توسعه‌گرا و نظام‌سازی مدرن در حال انجام است؛ چهارچوب‌گذاری برای فعالیت جریان توسعه‌گرا در قالب ابلاغ سیاست‌های کلان است. به عنوان مثال ایشان در بخش برنامه‌ی ششم کشور اعلام کردند که: بنده این سیاست‌ها را با نگاه مقاوم‌سازی فرهنگ ابلاغ کرده‌ام یا در دوره‌های پیشین هنگام ابلاغ سیاست‌ها بر مسأله‌ی عدالت بسیار تاکید می‌نمودند. این سیاست‌ها ابلاغ می‌شوند اما احکام برنامه‌ی متناسب ذیل این سیاست‌ها از سوی جریان توسعه‌گرا پیشنهاد نمی‌شود و این خود دلیل اثبات ناکارآمدی جریان توسعه‌گراست. زمانی که جریان توسعه‌گرا پس از گذراندن چندین برنامه‌ی توسعه اظهار می‌دارد که توسعه مقدم بر عدالت است؛ یعنی برنامه‌ای برای عدالت نداریم یا همان شعار «اول توسعه بعد عدالت». در آمریکای توسعه‌یافته ۵۰ میلیون نفر کوپن غذا می‌گیرند^۷ و قیام وال استریت رخ می‌دهد؛ اگر میوه‌ی توسعه عدالت است باید در توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیا عدالت وجود داشته باشد.

^۶ امام رضا علیه السلام فرمودند: «إن الإمامة زمام الدين و نظام المسلمین و صلاح الدنيا و عز المؤمنین، ان الإمامة أسن الإسلام التامی و فرعه السامی»

کافی، جلد ۱، ص ۲۰۰

^۷ **تله سورتی‌وی نوشت:** موسسه آمار آمریکا روز سه‌شنبه در گزارشی اعلام کرد که اکثر مردم حاضر در این کشور به شکل معناداری از رشد اقتصادی بهره‌مند نمی‌شوند. در این گزارش که درآمد و فقر را براساس اطلاعات سال ۲۰۱۳ مورد بررسی قرار داده اعلام شده است که در سال گذشته ۴۵٫۳ درصد

دسته‌ی سوم فعالیت‌هایی که برای اثبات ناکارآمدی تفکرات توسعه‌گرا و نظام‌سازی مدرن در حال انجام است، ایجاد میدان تست برای جریان توسعه‌گراست. آخرین نمونه‌ای که آیت‌الله امام‌خامنه‌ای^{۱۱} به همراه جریان گسترده نیروهای انقلاب انجام دادند، پروژه‌ی **نرمش قهرمانانه** در حوزه‌ی سیاست خارجی است. این پروژه در واقع نوعی محک برای کارآمدی تفکرات توسعه‌گرا و نظریه‌ی سیاست خارجه توسعه‌گرا محسوب می‌شود.

اما **دسته‌ی دوم** فعالیت‌هایی که نیروهای انقلاب به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای^{۱۲} جهت پیشبرد نظریه‌ی دولت اسلامی انجام می‌دهند، عبارت است از تکمیل نظام‌سازی‌های اجتماعی دوره‌ی امام‌راحل‌عظیم‌الشان. به عبارت بهتر ۱۰ حوزه‌ای که امام‌راحل‌عظیم‌الشان در آنها نظام‌سازی کرده بودند، در زمان آیت‌الله امام‌خامنه‌ای^{۱۳} در حال تکمیل است. به عنوان مثال رشد بسیج و سپاه از حیث کارآمدی و قدرت در مقایسه‌ی با ابتدای انقلاب، رشد کاملاً واضح و ملموسی است. بنابراین فعالیت دوم نیروهای انقلاب تکمیل نظام‌سازی‌های دوران امام‌راحل‌عظیم‌الشان است که این فعالیت نیز ذیل نظریه‌ی دولت اسلامی صورت می‌پذیرد. شرح این بسته‌ی کاری نیاز به فرصتی جداگانه دارد.

بسته‌ی سوم فعالیت‌هایی که نیروهای انقلاب به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای^{۱۴} در راستای تحقق نظریه‌ی دولت اسلامی انجام می‌دهند، عبارت است از آغاز نظام‌سازی اجتماعی در حوزه‌های جدید. بر اساس نظریه دولت‌سازی، نظام‌سازی اجتماعی در حوزه فرهنگ، آموزش و اقتصاد آغاز شده است. اولین میوه‌ی اولیه آن نیز تشکّل‌های خودجوش فرهنگی است. ایشان راجع به این تشکّل‌ها به شورای عالی انقلاب فرهنگی توصیه کردند که موانع قانونی آنها را تسهیل کنند.^{۱۵} ایشان ساختارهای رسمی فرهنگی را حفظ کرده، به نصیحت آنها پرداخته و برای آنها چهارچوب‌گذاری می‌کنند؛ اما تشکّل‌های خودجوش فرهنگی را در کنارشان ایجاد کرده‌اند. این مسأله در دوران حضرت امام^{۱۶} وجود نداشت. فعالیت دومی که ایشان ذیل بسته سوم انجام می‌دهند، آغاز نظام‌سازی اجتماعی در حوزه **اقتصاد** است. تاکید ایشان بر شرکت‌های دانش بنیان، مردمی شدن اقتصاد و مجموعه تلاش‌های ایشان در حوزه اقتصاد، به تدریج آمادگی برای تغییر در روال موجود اقتصاد کشور را ایجاد می‌کند. البته در این مسأله مقاومت‌ها شدید است اما به هر حال این کار آغاز شده و آثار اولیه آن نیز قابل مشاهده است.

در حوزه **آموزش** نیز ایشان به نظام‌سازی اجتماعی پرداختند که اولین ثمره‌ی آن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. بنابراین نظام‌سازی اجتماعی در حوزه‌های جدید، بسته‌ی سوم فعالیت‌هایی است که ایشان ذیل نظریه‌ی دولت اسلامی انجام می‌دهند.

از مردم در فقر به سر می‌برند. با اینحال میزان فقر در سال منتهی به ۲۰۱۳ از ۱۵ درصد به ۱۴٫۵ درصد کاهش یافت. به گزارش اداره آمار در دوره ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ تقریباً ۳۱٫۶ درصد از جمعیت آمریکا حداقل دو ماه در سال شاهد فقر بوده‌اند. واشنگتن پست در سال جاری گزارش داد که ۴۷ میلیون نفر از مردم آمریکا به کوپن غذا نیاز دارند که این رقم ۱۳ میلیون نفر بیش از زمانی است که اوباما به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب شد.

مشرق نیوز؛ کد خبر: ۳۴۶۶۲۱

۸. با توجه به رویش‌های معتنا به و جوشش‌های فراوان فعالیت‌های فرهنگی در سطوح مردمی، خصوصاً جوانان مؤمن و انقلابی، دستگاه‌های فرهنگی نظام و در رأس آنها شورای عالی انقلاب فرهنگی باید نقش حلقه‌های مکمل و تسهیل‌گر و الهام‌بخش را در فعالیت‌های خودجوش و فراگیر مردمی عرصه‌ی فرهنگ برای خود قائل باشند و موانع را از سر راه آنها کنار بزنند.

امام‌خامنه‌ای^{۱۷}؛ حکم آغاز دوره‌ی جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۳/۷/۲۶

چهارمین بسته‌ای که ذیل نظریه‌ی دولت اسلامی انجام می‌شود، تکثیر نظام‌سازی‌های انجام شده در محیط بین‌الملل و منطقه است که ثمره‌ی آن بیداری اسلامی است؛ یعنی رهبر انقلاب تجربه‌های موفق در حوزه‌ی دفاعی-امنیتی و حوزه‌های بخشی را تکثیر می‌دهند. یکی از میوه‌های این فعالیت حزب‌الله لبنان و میوه‌ی دیگر آن انصارالله است. این ثمرات فقط در حوزه‌ی دفاعی-امنیتی نیستند؛ مدل رهبری رهبر انصارالله و رهبر حزب‌الله لبنان، برگرفته از مدل رهبری امام خمینی رهبر و امام خامنه‌ای رهبر است. البته این تکثیر نظام‌سازی فقط در حوزه‌ی دفاعی-امنیتی نبوده است.

این ۴ بسته، اقداماتی هستند که در حال حاضر ذیل نظریه‌ی دولت اسلامی در حال انجام هستند. بنابراین نظریه‌ی دولت اسلامی با ۴ محوری که عرض شد، اکنون در حال اجرا بوده و همین حالا نیز اقدامات آن در حال پیشروی است.

با مقدمات سه‌گانه‌ای که عرض شد مشخص شد که انتظار انقلاب اسلامی از حوزه‌ی برنامه‌ریزی واضح است؛ انتظار انقلاب از حوزه‌ی برنامه‌ریزی کلان کشور، «آماده‌کردن زیرساخت‌های بخش دولت‌سازی اسلامی» است. تفکر دولت‌سازی اسلامی در برخی محورها در حال گسترش بوده و در این بخش‌ها نیازمند زیرساخت‌های قانونی، محاسباتی و ... است که بخشی از این زیرساخت‌ها باید در برنامه‌ی ششم برطرف شوند. تا به اینجا پاسخ سؤال اول ارائه شد. سؤال این بود که اساساً انقلاب اسلامی و الگوی پیشرفت اسلامی از حوزه‌ی برنامه‌ریزی چه انتظاری دارند؟ پاسخ این است که باید برای تفکر دولت‌سازی در برنامه‌ی ششم و دیگر برنامه‌ها زیرساخت‌گذاری شود.

۲/۲. لایه‌ی دوم؛ تبیین روش دولت‌سازی اسلامی در بخش‌های مختلف

سوال دوم این است که دولت‌سازی اسلامی از کجا آغاز می‌شود؟ در صورت دقت در این سؤال متوجه خواهیم شد که سؤال دوم و پاسخ آن، زائیده‌ی سؤال اول و پاسخ آن هستند. در سؤال و جواب اول این نتیجه بدست آمد که باید دولت‌سازی اسلامی گسترش پیدا کند؛ حال در سوال و جواب دوم باید مشخص کنیم که دولت‌سازی از کجا آغاز می‌شود؟

نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی عنوان می‌دارد که اگر جریان انقلاب، کشف عدم توازن‌های فرهنگی را در دستور کار خود قرار دهد، در واقع دولت‌سازی اسلامی را گسترش داده است. آغاز دولت‌سازی اسلامی عبارت است از شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی.

کشف عدم توازن‌های فرهنگی چه معنایی دارد؟ در صورت شناخت زیرساخت‌ها و پایه‌های فرهنگ جامعه و امور متعارض با این پایه‌ها، می‌توان به تثبیت پایه‌های فرهنگی کمک کرد. اساساً تثبیت زیرساخت‌های هدایت و فرهنگ در جامعه، رسالت دولت اسلامی است. به عنوان مثال همه قبول دارند که دوران شکل‌گیری شخصیت یکی از زیرساخت‌های فرهنگی جامعه است. حال برای تحقق دوران تربیت با چه موانعی روبرو هستیم؟ به عنوان نمونه یکی از آفت‌های دوران تربیت، اشتغال والدین در بیرون از منزل و تربیت فرزند در مهد کودک است. اشتغال بانوان یک امر ناموزون با تربیت است؛ زمانی که مادر خانواده غالب زمان مفید خود را در بیرون از خانه صرف می‌کند، شکل‌گیری صحیح شخصیت فرزند آسیب خواهد دید. این نمونه‌ای از شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی است. باید پایه‌های فرهنگی را شناسایی کرده سپس امور نامتوازن با این پایه‌ها را شناسایی و رفع کرد؛ این نقطه‌ی آغاز دولت‌سازی است.

هنگام مطالعه برای رفع یک عدم توازن فرهنگی، در واقع مطالعه برای تغییر روال اجتماعی در آن بخش مورد نظر است. همکاران توسعه‌گرای ما نقطه‌ی آغاز دولت‌سازی مدرن را کشف عدم توازن‌های اقتصادی می‌دانند؛ یعنی زیرساخت‌های اقتصاد را اصل قرار داده و امور متعارض با این زیرساخت‌ها را نشان می‌دهند. برای مثال می‌گویند در توزیع بودجه‌ی کشور دچار عدم توازن هستیم، یا اینکه میزان بنگاه‌های تولیدی تهران و سایر نقاط کشور دچار عدم توازن است، همچنین اظهار می‌کنند که میان تولید و محیط زیست عدم توازن وجود دارد. در واقع جریان توسعه‌گرا شناسائی و رفع عدم توازن‌های اقتصادی را اصل قرار می‌دهد و جریان الگوی پیشرفت اسلامی شناسائی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی را. تفاوت جریان توسعه‌گرا با الگوی پیشرفت اسلامی در این نقطه واضح می‌شود.

جریان الگوی پیشرفت اسلامی در اولین گام فرهنگ را پایه‌ی تعادل اجتماعی قرار می‌دهد و بعد از شناسایی زیرساخت‌های فرهنگ، در گام سوم عدم توازن‌های ناظر بر این زیرساخت‌ها را شناسایی و رفع می‌کند. این سیر منطقی در برنامه‌ریزی با استفاده از الگوی پیشرفت اسلامی است؛ ولی مبتنی بر نگاه توسعه‌گرا گام اول کشف عدم توازن‌های اقتصادی می‌باشد. نتیجه‌ی حرکت جریان توسعه‌گرا منجر به تعدیل کلان جامعه حول اقتصاد و نتیجه‌ی فعالیت‌های الگوی پیشرفت اسلامی منجر به تعدیل کلان جامعه حول فرهنگ می‌شود. پاسخ سؤال دوم نیز ارائه شد.

۲/۳. لایه‌ی سوم؛ تبیین روش شناسائی عدم توازن‌های فرهنگی

سوال سوم این است که شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی چگونه اتفاق می‌افتد؟ این سوال و جواب نیز زائیده‌ی سوال و جواب دوم است. در سوال و جواب دوم نحوه‌ی دولت‌سازی اسلامی را تبیین کرده و گفتیم که دولت‌سازی از شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی آغاز می‌شود. در سوال و جواب سوم نحوه‌ی شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی را مورد بحث قرار می‌دهیم.

یکی از احتمالات، تشخیص عدم توازن‌ها به صورت بخشی و موردی است. مهمترین اشکال این روش برای کشف عدم توازن‌های فرهنگی، عدم دستیابی به یک نقشه‌ی جامع است. بنابراین بر اساس مفاهیم نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، باید از نظریات بخشی الگو برای شناسائی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی استفاده کرد. در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی ششم، به منظور کشف و رفع عدم توازن‌های مرتبط با موضوع تربیت به عنوان یکی از زیرساخت‌های فرهنگ، از نظریه «بهبود مستمر فضای حاکم بر نهاد‌های متکفل تربیت» استفاده شده است. همچنین برای کشف و رفع عدم توازن‌های مرتبط با موضوع پیشگیری از جرم به عنوان یکی از زیرساخت‌های فرهنگ، از نظریه «پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم» استفاده شده است. راهکار کشف و رفع عدم توازن‌های مرتبط با موضوع ترجمه‌زدائی از علم به عنوان یکی از زیرساخت‌های فرهنگ، نظریه «بانک سؤالات جهت‌ساز» است. کشف و رفع عدم توازن‌های مرتبط با موضوع مقاوم‌سازی اقتصاد به عنوان یکی از زیرساخت‌های فرهنگ نیز با استفاده از نظریه «بنگاه‌های وقف‌محور» اتفاق می‌افتد.

۲/۴. لایه‌ی چهارم؛ تبیین بخشی از عدم توازن‌های فرهنگی کشور و چگونه رفع تدریجی آنها

تبیین بخشی از مهمترین عدم توازن‌های فرهنگی کشور، لایه‌ی چهارم و در واقع مهمترین بخش پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی ششم محسوب می‌شود. این بخش خود شامل چهار قسمت است:

۲/۴/۱. بخش اول؛ عدم توازن فرهنگی مرتبط با موضوع «تربیت اسلامی»

قسمت اول عدم توازن‌های فرهنگی کشور شامل عدم توازن‌های مرتبط با تربیت است. همانطور که در قسمت سوم گفته شد عدم توازن‌های مرتبط با موضوع تربیت، بر اساس نظریه‌ی «بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت»، شناسائی و رفع می‌شوند. بر اساس این نظریه، برای تحقق تربیت باید عوامل بیرونی مؤثر بر نهادهای متکفل تربیت شناسائی و در خدمت نهادهای متکفل تربیت باز طراحی شوند. عوامل بیرونی مؤثر بر نهادهای متکفل تربیت در نقشه‌ی راه الگوی پیشرفت اسلامی شامل ۸۱ بخش است که پیشنهاد می‌شود با توجه به امکانات و شرایط کشور مدیریت ۴ بخش از آنها در دستور کار برنامه‌ی ششم قرار گیرد.

وضعیت فعلی اشتغال بانوان، وضعیت فعلی متون آموزشی، تعریف اقتصادی و ناقص از سبب حمایت از خانوار و تخریب محیط خانواده توسط رسانه‌ها و فضای مجازی، ۴ دسته از مهمترین عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به عنوان مهمترین نهاد متکفل تربیت هستند که به سرعت باید برای ترمیم و باز طراحی آنها در برنامه‌ی ششم اقدام نمود.

یکی از این عوامل بیرونی که آسیب فراوانی به نهاد خانواده وارد آورده، یکسان بودن قوانین اشتغال بانوان و آقایان است. اگر به گسترش نسبی گرایش به اشتغال در بانوان توجه کرده و نخواهیم با این پدیده برخورد دفعی و ناکارآمد داشته باشیم و اگر از سوی دیگر به تأثیر منفی اشتغال بانوان بر سلامت روحی و جسمی آنها و همچنین تأثیر منفی این عامل بر نهاد خانواده توجه کنیم؛ مشخص می‌شود که باید برنامه‌ای را برای تغییر تدریجی قوانین مربوط به اشتغال بانوان تهیه کرد. تغییر تدریجی قوانین اشتغال بانوان، هم پسند اجتماعی بانوان نسبت به مسأله‌ی شغل را تغییر می‌دهد و هم در کوتاه مدت زمینه‌ی حضور گسترده‌تر بانوان در خانواده را فراهم می‌آورد. از این رو در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی ششم، پیشنهاد کرده‌ایم که دولت محترم تا پایان سال دوم برنامه‌ی ششم مطالعات مربوط به تغییر قوانین اشتغال بانوان را به اتمام رسانده و لایحه‌ی قوانین اشتغال بانوان در جمهوری اسلامی را به عنوان جزئی از قانون مادر تربیت اسلامی تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید. به نظر در صورت افزایش کمیت و کیفیت حضور بانوان در خانواده‌ها، حتی هزینه‌های مادی جامعه نیز کاهش خواهد یافت. بر خلاف القائاتی که برخی در مورد هزینه‌ساز بودن تغییر قوانین اشتغال انجام می‌دهند، این امر در میان مدت به کاهش هزینه‌های مادی نیز منجر خواهد شد. در حال حاضر به دلیل کاهش کیفیت در موضوع تربیت اسلامی حتی هزینه‌های بخش تولید نیز افزایش یافته است. در بخش تولید با معضل وجدان کاری و اثرات آن بر بنگاه‌های تولیدی روبرو هستیم. در بخش‌های اجتماعی نیز به صورت روزافزون هزینه‌های میلیاردری صرف می‌شود؛ این در حالی است که اگر فقط هزینه‌های مربوط به تقویت نهاد خانواده را تقبل کنیم، در تمام بخش‌ها با کاهش هزینه روبرو خواهیم شد. البته در حال حاضر فقط آثار اقتصادی تربیت اسلامی را بررسی می‌کنیم اما کاملاً واضح است که ارزش الهی و اجتماعی برنامه‌ریزی برای تربیت با معیار ارزش افزوده قابل محاسبه نیست.

یکی دیگر از عوامل بیرونی که امروزه باعث تضعیف نهاد خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد متکفل تربیت می‌شود؛ سیستم فعلی نظام آموزشی است. نظام آموزشی فعلی قادر به ایجاد درک درست از سبک زندگی اسلامی و زندگی خانوادگی در پسران و دختران نبوده و این امر موجب می‌شود که افراد جامعه قادر به تحلیل و حل درست مسائل زندگی مشترک نباشند. کم‌عمقی درک افراد جامعه از خانواده به صورت پیش‌فرض نهاد خانواده را با اصطکاک روبرو می‌کند و این امر به معنای کاهش رفاه در جامعه است. برای مقابله با این آفت بزرگ پیشنهاد کرده‌ایم که

وزارت آموزش و پرورش با همکاری حوزه‌های علمی مطالعات مربوط به راه‌اندازی واحدهای درسی مربوط به نهاد خانواده و سبک زندگی در تمام پایه‌های درسی و به محوریت مسائل گوناگون سبک زندگی و نهاد خانواده را تا پایان سال دوم برنامه به اتمام رسانده و لایحه قانون آموزش‌های حیاتی را به عنوان جزئی از قانون مادر تربیت اسلامی تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر نهاد خانواده که باید در برنامه‌ی ششم برای تحول آن برنامه‌ریزی شود، مفهوم سبب حمایت از خانوار است. این مفهوم در واقع در بردارنده حمایت‌های کوتاه‌مدت دولت‌ها از نهاد حیاتی خانواده است که متأسفانه در وضعیت فعلی در حد سبب کالا تنزل یافته است! از آنجا که نیازهای فعلی نهاد خانواده برای بقاء بسیار بیشتر و متنوع‌تر از تعاریف فعلی است، پیشنهاد ما این است که دولت محترم تا پایان سال اول برنامه‌ی ششم مطالعات مربوط به تحول در سبب حمایت از خانواده را به اتمام رسانده و لایحه‌ی مربوط به حمایت‌های حیاتی از نهاد خانواده را به عنوان جزئی از قانون مادر تربیت اسلامی تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.

البته قانون مادر تربیت اسلامی دارای بخش‌های دیگری نیز می‌باشد که در آن بخش‌ها عوامل دیگری از فضای بیرونی مؤثر بر نهادهای متکفل تربیت مورد توجه قرار می‌گیرد و در طول سال‌های آینده می‌توان و باید آن را تکمیل نمود.

۲/۴/۲. بخش دوم؛ عدم توازن فرهنگی مرتبط با موضوع «پیشگیری از جرم»

بخش دوم عدم توازن‌های فرهنگی کشور شامل عدم توازن‌های مرتبط با موضوع حیاتی پیشگیری از جرم است. در باب اهمیت موضوع پیشگیری از جرم و فوائد امنیتی و اجتماعی آن سخنان بسیاری گفته شده اما از زوایه دید الگوی پیشرفت اسلامی، بافت جرم در یک کشور آینه و نشان‌دهنده‌ی وضعیت فرهنگی آن کشور محسوب می‌گردد و لذا از پایگاه پیشگیری از جرم می‌توان برای بهبود فرهنگ اقدام نمود.

از منظر مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی، موضوع پیشگیری از جرم زیر ساخت فرهنگ بوده و همانطور که در قسمت سوم اشاره شد، کشف و رفع عدم توازن‌های مرتبط با این موضوع از پایگاه نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم امکان‌پذیر است. در نظریه «پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم» تغییر نگرش‌های افراد مهمترین عامل وقوع جرم معرفی شده و بر همین مبنا مسیرهای جلوگیری از شکل‌گیری نگرش‌های غلط در جامعه تبیین گردیده است. بر اساس این نظریه، مهمترین عامل تغییر نگرش در افراد، اقدامات و برنامه‌های ساختارهای حکومتی است و لذا باید در تنظیم برنامه‌ها جلوی عوامل منفی مؤثر بر نگرش‌های افراد را گرفت. به عنوان مثال تمام عوامل تضعیف‌کننده‌ی نهاد خانواده و تمام سیاست‌های منجر به گسترش مصرف‌گرایی و ... جزئی از عوامل مؤثر بر تغییر نگرش‌ها محسوب می‌شوند. بر اساس این نظریه، مؤثرترین راه مقابله با وقوع جرم، مقابله‌ی نرم قوه‌ی قضائیه با تغییر زیرساخت‌های فرهنگی از پایگاه برنامه‌ریزی کلان کشور است و برای تحقق این سیاست قوه‌ی قضائیه باید بخش تصمیم‌سازی خود را فربه‌تر نماید.

بر اساس این نظریه، پینشهاد ما در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی این است که کارشناسان قوه‌ی قضائیه به منظور تصمیم‌سازی‌های مرتبط با پیشگیری، در تمام جلسات مراکز تصمیم‌گیری نظام و از همه مهمتر جلسات کمیسیون‌ها و صحن علنی حضور فعال داشته و با اتخاذ تصمیمات مخرب زیرساخت‌های فرهنگی، به نحو

کارشناسی مقابله کنند. البته اقدامات مرتبط با افزایش تأثیرگذاری قوه‌ی قضائیه بر فضای تصمیم‌سازی کشور شامل موارد متعدد دیگری نیز می‌شود که ذکر و پیش‌بینی آن در برنامه‌ی ششم ضرورت ندارد.

۲/۴/۳. بخش سوم؛ عدم توازن فرهنگی مرتبط با موضوع «ترجمه‌زدائی از علم»

در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی ششم، عدم توازن‌های مرتبط با موضوع «ترجمه‌زدائی» از علم به عنوان اولویت سوم عدم توازن‌های فرهنگی معرفی شده‌اند. به دلیل جایگاه رفیع و غیر قابل انکار علم در پیشرفت یک جامعه، باید مراقب بود که علم و توصیف ما از امور، به صورت غیر واقعی و ناقص شکل نگیرد. به عبارت دیگر استفاده از محصولات ترجمه‌ای دیگران در تحلیل‌ها، موجب می‌شود که در بهترین وضعیت قادر به تحلیل مسائل بومی در محصولات علمی نباشیم. به دلیل تفاوت بوم ایران و کشورهای دیگر، با تفاوت مسائل روبرو هستیم و مسائل خاص جامعه‌ی ایران معمولاً منشأ تحلیل تحلیل‌های وارداتی نیستند؛ البته در بحث آفت‌های ترجمه‌گرایی به حداقل آسیب‌ها یعنی آسیب عدم توجه به مسائل خاص کشور توجه نموده‌ایم و این در حالی است که نظریاتی حداکثری دیگری نیز موجود است. به هر حال با توجه به این نگاه حداقلی به آفت ترجمه‌گرایی، دستگاه علمی-آموزشی کشور باید به مکانیزمی قابل تفاهم در شناسائی مسائل ملی دست یابد و اگر قرار است مسائل کشورمان را به صورت علمی حل کنیم، باید راه حل‌های علمی ناظر به مسائل کشور باشند نه مسائل دیگران. تأکید بر استفاده از روش‌های علمی در کنار موضوع قراردادن مسائل کشور در مراکز تحقیقاتی، یکی از عدم توازن‌ها در بخش علمی کشور است که در برنامه‌ی ششم باید برای آن تدبیری اندیشید.

بر این اساس در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی ششم پیشنهاد داده‌ایم که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سؤالات مرتبط با موضوع دولت‌سازی اسلامی را از طریق کارگاه‌های آموزشی و دیگر روش‌ها با گروه‌های علمی، دانشجویان و اساتید تفاهم نماید و از محصولات علمی مرتبط با این جهت‌گیری، حمایت خاص نماید. نحوه‌ی تفاهم و تولید این سؤالات که در نظام مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی به سؤالات جهت‌ساز شهرت یافته‌اند، در نظریه‌ی بانک سؤالات جهت‌ساز تشریح شده است.

۲/۴/۴. بخش چهارم؛ عدم توازن فرهنگی مرتبط با موضوع «مقاوم‌سازی اقتصاد»

بخش چهارم عدم توازن‌های فرهنگی، عدم توازن‌های مرتبط با موضوع اقتصاد است. در بخش اقتصاد مهمترین عدم توازن محوریت اقتصاد در جامعه است. در گام اول باید سعی نمود تا این تلقی را تغییر داده و موضوع اقتصاد را به عنوان یکی از زیرساخت‌های فرهنگ باز تعریف نمود. به عبارت روشن‌تر با توجه به اینکه انسان مختار بر محور قوه‌ی عاقله خود حرکت می‌کند، در صورت اصل قراردادن اقتصاد فکر انسان‌ها بخشی و اقتصادی شکل می‌گیرد و این به معنای شکوفا نشدن ظرفیت‌های انسان است. از سوی دیگر در وضعیت فعلی با توجه به وجود درک خاصی از اقتصاد، باید در گام اول کارآمدی نگاه اقتصادی اسلام را به رخ بکشیم و در گام‌های بعد اقتصاد را به عنوان زیرساخت فرهنگ باز تعریف نماییم. در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی مسیر شکل‌گیری گام اول این فرآیند پیچیده ذیل نظریه‌ی «بنگاه‌های وقف‌محور» تشریح شده است. اجازه بدهید به دلیل اهمیت موضوع آن را در وقت دیگری تشریح نماییم.

بخشی از متن:

پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی ششم دارای چهار سطح بحث بوده و هر یک از این سطوح چهارگانه، در قالب یک سؤال و جواب مطرح می‌شوند. مرور این بسته‌های بحثی منجر به فهم بهتر فرآیند برنامه‌ریزی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی می‌شود.

بخشی از متن:

پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ی ششم دارای چهار سطح بحث بوده و هر یک از این سطوح چهارگانه، در قالب یک سؤال و جواب مطرح می‌شوند. مرور این بسته‌های بحثی منجر به فهم بهتر فرآیند برنامه‌ریزی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی می‌شود.